

معلوم است راهی به سوی شما گشوده شده که این گِل‌های تعلقات مانع است

شماره پرسش: ۱۰۶۱۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۸/۲۷ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام استاد: امشب خیلی مستاصل بودم، بی هدف اینترنتمو روشن کردم. یه لحظه به دلم خورد سایت شما رو سرچ کنم. وقتی دیدم که به سوالهای همه جواب می دید اشک تو چشمام جمع شد، با بغض گریه کردم. ازتون ممنونم که تو این روزگار بی امامی، با حوصله جواب سوال های ما رو می دید. من تا حالا شما رو ندیدم نزدیک سه الی چهار ساله با کتابهاتون آشنا شدم و تو شهرستان زندگی می کنم. استاد خیالات بیهوده دست از سرم بر نمیداره، نمیدونم چی کار کنم؟ مستاصل شدم. حتی سیر مطالعاتی داشتم ولی به محض اینکه میذارم کنار دوباره شروع میشه. تو زندگیم وابستگی شدیدی به یه آدم دارم که اون همیشه من رو ازخودش رونده، دلم می خواد رهاش کنم ولی خیالش دست از سرم برنمیداره، بهم بگید چی کار کنم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «آب گِل خواهد که در دریا رود/ گِل گرفته پای او را می‌کشد» تا نمی‌خواستید به دریای توحید روید که نمی‌دانستید این خیالاتِ مزاحم را دارید! پس معلوم است راهی به سوی شما گشوده شده که این گِل‌های تعلقات مانع است. راهکارِ رفع این مشکل خیلی روشن است و آن چیزی نیست جز «مقاومت در مقابل این خیالات»، به همان روشی که آیت‌الله بهجت «رحمة‌الله‌علیه» می‌فرمایند که «آمدنش دست شما نیست، ولی شما دنبال نکنید» تا آرام‌آرام از قوت و قدرت بیفتد در آن صورت به شکل معجزه‌آسایی می‌بینید در فضای دیگری زندگی می‌کنید که از آن خیالات، دیگر خبری نیست. طول می‌کشد، ولی راهکار همان است که آن عارف جلیل‌القدر فرمودند. موفق باشید